

نوع مقاله: پژوهشی

راهبرد دفاع آفندی در حضور برون مرزی ایران در عمان و سوریه

امیرحسین وزیریان¹، شهروز شریعتی²

تاریخ دریافت: 1399/08/07؛ تاریخ پذیرش: 1400/03/10

چکیده

حضور ایران در عمان و سوریه در طول نیم قرن گذشته، از نشانگان افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای سیاست خارجی ایران تلقی شده است. این مقاله با بهره‌گیری از داده‌های مستند، منابع دست اول و روش اسنادی و تحلیل پسارویدادی مبتنی بر روش مقایسه‌ای، در پی پاسخ به این پرسش است که «چرا ایران طی نیم قرن اخیر در بحران‌های دو کشور عربی عمان و سوریه حضور یافته و این حضور نظامی چه دستاوردی برای منافع ملی ایران داشته است؟» یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد با وجود تفاوت‌های ماهوی نظام بین الملل و رژیم سیاسی حاکم بر کشور طی نیم قرن گذشته، حضور نظامی ایران در قلمرو پادشاهی عمان و جمهوری عربی سوریه در پرتو ضرورت‌های حاصل از محاصره ژئوپلیتیکی و لزوم خنثی‌سازی تهدیدهای محیط پیرامونی در مرزهای خارج از کشور بوده است. این مقاله همچنین با استفاده از آموزه‌های نظریه رئالیسم و بهره‌گیری از مفهوم دفاع آفندی نشان می‌دهد دستاورد این حضور برون مرزی ایران در بحران عمان، جلوگیری از به خطر افتادن امنیت انرژی کشور و تهدید گسترش خطر کمونیزم در خلیج فارس، و در بحران سوریه پاسداری از تمامیت ارضی و خنثی‌سازی قابل توجه تهدید ژئوپلیتیکی رادیکالیسم سلفی در منطقه غرب آسیا بوده است.

واژگان کلیدی: ایران، سیاست خارجی، دفاع آفندی، عمان، سوریه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

1. دانش آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Vazirian.amir@gmail.com

2. دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
shariati@modares.ac.ir

Forward Defense Strategy in Iran's Overseas Presence in Oman and Syria

Amir Hossein Vazirian¹, Shahrooz Shariati²

Abstract

Iran's military presence in Oman and Syria over the past half-century has been seen as a sign of growing regional power and influence in Iran's foreign policy. This article seeks to answer the question of why Iran was involved in the crises of the two Arab countries of Oman and Syria during the last half century, and what has this military presence achieved for Iran's national interests? To find this answer, documentary data, reliable sources and documentary methods, post-event analysis and comparative methods have been used. Findings show that despite the essential differences between the international system and the ruling political regime in Iran in the last half century, Iran's military presence in the territory of the Kingdom of Oman and the Syrian Arab Republic was to free Iran from geopolitical siege. Using the teachings of the theory of realism and the concept of offensive defense, the article shows that the achievement of Iran's overseas presence in the Oman crisis was to prevent endangering energy security and the threat of the spread of communism in the Persian Gulf region. Iran's military presence in the Syrian crisis also significantly neutralized the geopolitical threat of Salafi radicalism in the West Asian region, in addition to preserving Iran's territorial integrity.

Keywords: Iran, Foreign policy, Offensive defense, Oman, Syria



1. PhD, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Vazirian.amir@gmail.com

2. Associate professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

مقدمه

تحلیل‌های متفاوتی درباره حضور برون‌مرزی ایران در عمان و سوریه صورت گرفته است که برخی آن را نشانه سیاست خارجی تهاجمی و جاه‌طلبانه ایران دانسته‌اند (Holliday, 1979: 253-260; Rabinovich, 2019). برخی نیز آن را تلاشی در راستای امنیت رژیم سیاسی قلمداد کرده‌اند و بر این باورند که این حضور، با هدف جبران کسری مشروعیت رژیم سیاسی، انتقال بحران از داخل به خارج و تقویت موقعیت داخلی از گذر مداخله خارجی صورت پذیرفته است (Tohidi, 2017; Kazemian, 2016). فقدان دقت و جامعیت کافی در این تحلیل‌ها، هدف اصلی نگارش پژوهش حاضر بوده است، زیرا تحلیل‌های دسته نخست، در حالی که نیت خوانی از حضور تهاجمی ایران پرداخته‌اند که از الزام‌های ژئوپلیتیکی و دفاعی ایران غافل شده‌اند. تحلیل‌های دسته دوم نیز افزون بر معضل گفته‌شده، فاقد شواهد تجربی کافی است؛ به‌ویژه که ایران برخلاف کشورهای دیگر منطقه، در هر دو دوره از ثبات و مشروعیت نسبی برخوردار بوده است و تأکید بر گسترش سیاست‌های عمومی در دهه 1350 و نرخ مشارکت سیاسی مطلوب در هفت ساله نخست دهه 1390، مهم‌ترین گواه این امر است (Gasiorowski, 2009: 250-262; Eghtesad Online, 2019). براین اساس به نظر می‌رسد تحلیل حضور برون‌مرزی ایران در چارچوب رویکرد ژئوپلیتیکی-امنیتی، قابلیت بیشتری برای تبیین دارد، زیرا نگاه به حضور برون‌مرزی ایران از دریچه ملاحظات ژئوپلیتیکی و امنیتی، بیانگر آسیب‌پذیری جغرافیایی ایران و به‌ویژه فقدان مرزهای دفاعی طبیعی تسخیرناپذیر و مجاورت جغرافیایی با کانون‌های تهدیدات منطقه‌ای است. این شرایط، نقش ویژه‌ای در نگاه تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی ایران از تحولات محیط پیرامونی ایفا کرده است و آنان را به این برداشت رسانده است که هرگونه تغییرات ژئوپلیتیکی منطقه در راستای افزایش محاصره ژئوپلیتیکی ایران و تغییر موازنه قدرت و به ضرر امنیت کشور است؛ به‌ویژه آنکه، تجربه تاریخی جنگ چالدران و جنگ تحمیلی نیز گویای آسیب‌پذیری جغرافیایی و شکست تجربه اتکا به مرزهای کشور به‌عنوان خاکریز دفاعی بوده است (Reisinezhad, 2020).

ایران در شرایط تثبیت با درپیش گرفتن سیاست دفاع آفندی و از راه حضور مؤثر در مسائل امنیتی منطقه، در صدد افزایش امنیت نسبی خود در شرایط خاص ناامنی حاصل از بحران بوده است تا از سویی تهدیدهای امنیتی را دفع کند و از سوی دیگر از تهدیدهای جدید ناشی از تغییرات جدید

ژئوپلیتیکی پیشگیری کند (Barzegar, 2009: 128)؛ از این رو، این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که چرا ایران طی نیم قرن اخیر در بحران‌های دو کشور عربی عمان و سوریه حضور یافت و این حضور برون‌مرزی چه دستاوردی برای منافع ملی ایران داشته است؟ فرضیه پژوهش حاضر این است که با وجود تفاوت‌های ماهوی نظام بین‌الملل و رژیم سیاسی حاکم بر کشور طی نیم قرن گذشته، حضور برون‌مرزی ایران در قلمرو پادشاهی عمان و جمهوری عربی سوریه در پرتو ضرورت‌های حاصل از محاصره ژئوپلیتیکی و لزوم خنثی‌سازی تهدیدات محیط پیرامونی در مرزهای خارج از کشور بوده است و دستاوردهای مهمی برای کشور به همراه داشته است.

در مورد پیشینه پژوهشی این مقاله بیان این نکته ضروری است که این آثار بیشتر در دو دسته قابل بررسی است: دسته نخست، پژوهش‌هایی که جنبش ظفار در عمان را با نگاه تاریخی-تحلیلی بررسی کرده‌اند. از شاخص‌ترین آثار این حوزه می‌توان به «ناگفته‌های جنگ ظفار» (2014) و «نقش آفرینی ایران در خلیج فارس و دریای عمان» (2017) نوشته محمدجعفر چمنکار اشاره کرد. دسته دوم آثار پُرشمار را دربر می‌گیرد که به بررسی ریشه‌ها، ابعاد و زوایای بحران سوریه پرداخته‌اند. کتاب «نبرد برای سوریه» نوشته کریستوفر فیلیپس (2016)، کتاب «بحران سوریه و بازیگران منطقه‌ای» سید علی نجات (2017) و مؤلفه‌های اساسی محیط امنیتی ایران و سوریه رضا سیمبر و روح‌الله قاسمیان (2014) نمونه‌ای از این آثار به شمار می‌رود. وجه تمایز پژوهش حاضر با آثار ذکر شده در این است که این پژوهش بحران در دو کشور عمان و سوریه و راهبرد دفاع آفندی در سیاست منطقه‌ای ایران را به‌گونه‌ای مقایسه‌ای مطالعه کرده است. افزون‌براین، پژوهش حاضر با روش اسنادی و تحلیل پسا‌رویدادی مبتنی بر روش مقایسه‌ای تدوین شده است. روش گردآوری اطلاعات و مطالب نیز مبتنی بر جست‌وجوی منابع دست اول، کاوش منابع اینترنتی، گفت‌وگوی شخصی با تعداد معدودی از نظامیان ایرانی حاضر در صحنه سوریه و عمان و سرانجام استفاده از اخبار و اطلاعات مربوط به سیاست خارجی ایران، عمان و سوریه بوده است.

1. چارچوب نظری پژوهش

مفهوم «راهبرد دفاع آفندی» به حضور رو به جلوی نیروهای مستقر یا در حال استقرار در خارج از کشور برای نشان دادن عزم ملی، تقویت اتحادها، منصرف کردن دشمنان بالقوه و تقویت واکنش

سریع به تهدیدهای خارجی اشاره دارد. از مهم‌ترین عناصر دفاع آفندی برون‌مرزی، اعزام نیروها (مستشاری و نظامی)، ایجاد پایگاه‌های نظامی، کمک‌های تسلیحاتی و همکاری‌های امنیتی با کشور موردنظر است (U.S Department of Defense, 2010: 111).

این راهبرد دفاعی در پی خنثی‌سازی، مهار یا دفع تهدیدها و تجاوزهای نظامی پیش از رسیدن آن به قلمرو مرزهای ملی یک کشور است؛ به این معنا که یک کشور برای جلوگیری از درگیری در مرزهای خود در خارج از مرزها با دشمنان مقابله می‌کند (Yousef, 2019). در واقع، دفاع آفندی یک راهبرد خط مقدم برای جلوگیری از پیشروی تهدیدات محیط پیرامونی به خاکریز خودی است که از طریق گسترش حضور نظامی برون‌مرزی صورت می‌پذیرد (Davis, 2018). این راهبرد، پاسخ منطقی به تحولات و شرایط ژئوپلیتیکی پُرخطر محیط پیرامونی است و ریشه در این گزاره صریح دارد که «اگر در خارج از مرزها با تهدید نجنبیم مجبور می‌شویم در درون مرزهای خود مان بجنبیم» (Edward, 2015). سابقه این راهبرد به روم باستان بازمی‌گردد و از نظر استراتژیست‌های آن دوران، گسترش قلمرو دفاعی و انتقال به آن سوی مرزها با هدف تأمین مرزهای قابل دفاع و در راستای منطق امنیت و بقا بوده است (Lutwak, 1976: 136). این سازوکار بر این فرض رئالیستی استوار است که ساختار نظام بین‌الملل آنارشیک و مبتنی بر اصل خودیاری است و دولت‌ها به هر طریق ممکن باید به تأمین امنیت خود بپردازند (Waltz, 2008: 58-79). از این منظر، دفاع برون‌مرزی راهبردی برای جلوگیری از کاهش امنیت دولت‌ها و حفظ توازن قدرت محسوب می‌شود (Holsti, 1995: 39-42). در این چارچوب اگر دو کشور متحد یکدیگر باشند یا «برداشت¹» یکسانی از تهدیدهای خارجی داشته باشند، اجازه حضور خارجی متحد خود را در قلمروشان خواهند داد. در این معنا حضور نظامی یک کشور در کشور دیگری به معنای برقراری نوعی اتحاد به علت برداشت مشترک از تهدیدها و دستیابی به منافع مشترک احتمالی است (Barnett & Levy, 1992: 19-40). اگرچه در دفاع آفندی، تهدید منافع ملی عامل کلیدی است؛ با این حال، عوامل مؤثر دیگری همچون شانس موفقیت، برآورد هزینه مالی و انسانی، میزان حمایت داخلی و بین‌المللی از این شیوه دفاعی دخیل است؛ به‌ویژه اینکه زمانی که منافع یک کشور آن قدر تهدید شود که جایگزینی برای دفاع

آفندی وجود نداشته باشد، انجام این راهبرد اجتناب‌ناپذیر می‌شود. در این معنا، اتخاذ این راهبرد، عملی تدافعی در راستای اعمال بازدارندگی، افزایش امنیت نسبی و ایجاد موازنه به‌شمار می‌آید (Brooks & Kanter, 1994: 17).

دفاع آفندی با توجه به این اصل کلیدی رئالیسم تدافعی قابل فهم است که چون در نظام آنارشیک بین‌الملل واحدها درباره «برزیستن¹»، موقعیت و منافعشان نگران هستند، بخشی از تلاش خود را نه برای پیشبرد اهداف بلکه برای فراهم‌سازی ابزارهای حفاظت از خود در برابر دیگران صرف می‌کنند (Waltz, 1979: 105).

2. یافته‌های پژوهش

1-2. شکل‌گیری بحران عمان

فقر و بیکاری شدید در سال‌های پس از جنگ دوم جهانی موجب شد تا جوانان استان ظفار، در جست‌وجوی کار راهی کشورهای عربی شده و به تدریج با جنبش‌های سوسیالیستی-ناسیونالیستی آشنا شوند. در 9 ژوئن 1965 جنبش آزادی‌بخش ظفار اعلام موجودیت کرد و برخی کشورهای متمایل به بلوک شرق از آن‌ها حمایت کردند (Ladwig, 2008: 64-66).

جنبش «آزادی‌بخش ظفار» (DLF²) با اتخاذ مرام کمونیستی کوشید ضمن یاریگیری از توده مردم فقیر منطقه ظفار، ارتش آزادی‌بخش خلق را برای مبارزات خود تشکیل دهد. از اعضای برجسته هسته مرکزی این گروه در این دوره مسلم بن نوفل الکثیر و یوسف بن علوی بن عبدالله وزیر خارجه پیشین عمان بودند (Jones, 2011: 560).

این گروه پس از برگزاری کنگره سپتامبر 1968 در شهر «حمرین» با اعلام استراتژی جنگ چریکی و گسترش موضع‌گیری خود از عمان به کل خلیج فارس تحت تأثیر آموزه‌های مارکسیستی، نام خود را به «جبهه مردمی آزادی خلیج اشغالی عربی» (PFLOAG³) تغییر داد. آن‌ها با اعلام شعار «مبارزه با امپریالیسم، استعمار، بورژوازی و فئودالیسم» ضمن روابط نزدیک با یمن جنوبی و افتتاح

1. Survive

2. Dhofar Liberation Front

3. Popular Front for the Liberation of the Occupied Arabian Gulf

دفتر خود در این کشور با پشتیبانی آن‌ها توانستند بیشتر سرزمین‌های غربی عمان در استان ظفار را از جمله شهر ساحلی استراتژیک «رخیوط^۱» و غارهای «شرشیتی^۲» به تصرف درآورند (Cooper & Bishop, 2000: 44). برخی منابع شمار هسته مرکزی آن را حدود 2000 چریک تمام وقت و 4000 چریک نیمه وقت اعلام کرده‌اند (DeVore, 2012: 150).

2-2. شکل‌گیری بحران سوریه

برخورد نظام سیاسی سوریه با معترضان، مخالفت‌ها را از مرزهای سوریه فراتر برد و این کشور به صحنه جنگ سرد جدیدی تبدیل شد. ریشه‌های شکل‌گیری بحران سوریه چندوجهی بود. از منظر اقتصادی پایین بودن قدرت خرید مردم و قرار گرفتن در زمره کشورهای فقیر نقش مهمی در ایجاد ناآرامی‌ها داشت. از منظر سیاسی نیز شکاف‌های طایفه‌ای-قومیتی در ساختار قدرت، حمایت سوریه از جریان مقاومت، مخالفت اهل سنت با حزب بعث سوریه و ادعای الحاد علویان حاکم از سوی علمای تندرو، سبب تشدید مخالفت‌ها با نظام سیاسی شده بود. افزون بر آن، از منظر اجتماعی نیز تنوع شدید مذهبی (علویان، اهل تسنن، کردها، دروزی، ارمنی و مسیحی) از جمله عوامل واگرایی اجتماعی مردم از نظام سیاسی سوریه به شمار می‌رود (Jamshidi & Seifi, 2017: 118-110).

جنبش سیاسی مخالفان در ابتدا خواهان کناره‌گیری اسد بود اما پس از گذشت چند ماه این اعتراض‌ها به علت حمایت‌های خارجی سمت و سوی مسلحانه به خود گرفت و از اعتراض سیاسی تبدیل به شورش نظامی علیه دولت مرکزی شد. علاوه بر آن، شکست دولت‌های خارجی در رفتن اسد از قدرت، آن‌ها را به سوی مسلح کردن مخالفان سوق داد. به طور مشخص، حمایت شورای همکاری خلیج فارس از پیشنهاد قطر در اجلاس امنیتی منامه مبنی بر حمایت از اعتراض‌های مسلحانه مخالفان دولت سوریه منجر به تشدید بحران در این کشور و تقسیم بازیگران بحران به چند دسته شد (Phillips, 2016: 125). به بیان روشن‌تر، تشکیل «ارتش آزاد سوریه^۳» با هدف برپایی حکومتی سکولار-دموکراتیک، «شورای ملی سوریه^۴» به مثابه جناح سیاسی ارتش آزاد و سرانجام، تشکیل گروه‌های مسلح تکفیری داعش و جبهه النصره همگی حاصل شرایط بی‌ثبات در سوریه بود

1. Rakhyut
2. Shirshiti Caves
3. Free Syrian Army
4. Syrian National Council

(Lister, 2016: 4-24; Nejat, 2017: 76-89). تعداد نفرات ارتش آزاد سوریه 50/000، داعش 25/000 و جبهه النصره 10/000 نفر برآورد شده است (Schmitt, 2016).

3. تجزیه و تحلیل

1-3. دفاع آفندی ایران در عمان

برداشت تهدید از بحران عمان: پی‌شروی شورشیان ظفار در ایران دهه 1350، نشانه‌ی تعلقات قلمروخواهانه مسکو برای دسترسی به آب‌های گرم خلیج فارس تلقی شد. ایران معتقد بود انقلاب ظفار انقلابی کمونیستی است که امکان تحمل آن در منطقه میسر نیست (Chamankar, 2017: 408). علت نگرانی این بود که حضور روس‌ها در مرزهای شمالی، به قدرت رسیدن ناسیونالیست‌های عرب طرفدار مسکو در مرزهای غربی (عراق) و کودتای ضد سلطنتی جمهوری خواهان نزدیک به کرملین در مرزهای شرقی (افغانستان)، ایران را در محاصره تهدید سرخ قرار داده بود. شاه به سفیر ایالات متحده در ایران گفته بود ما از هر طرف توسط دشمنان در محاصره قرار گرفته‌ایم (Goode, 2014: 457).

در نظر ایران، پیروزی شورشیان ظفار در عمان به منزله تکمیل محاصره ژئوپلیتیکی و ازدست رفتن تنها فضای تنفس راهبردی در مرزهای جنوبی بود. روزنامه «آیندگان» در تحلیل این موضوع نوشته بود: «چریک‌های ظفار می‌توانند با استفاده از موشک‌های کاتیوشا با بُرد ده کیلومتر برای حرکت کشتی‌ها در تنگه هرمز خطر ساز باشند» (Chamankar, 2017: 401). شاه نیز در مصاحبه‌ای با «ساندی تایمز» در اسفند 1352 در این باره گفته بود: «شورشیان ظفار می‌توانند با توپ‌های دورزن خود حتی یک نفتکش 500 هزار تنی را غرق کنند» (Pahlavi, 1974: 6).

او همچنین درباره اهمیت امنیت تنگه هرمز در مصاحبه با محمد حسنین هیکل اظهار داشت: «تنگه هرمز گذرگاه ما به سوی جهان است. این راه عبور نفت ایران است که هر روز 180 میلیون دلار ارزش دارد» (Pahlavi, 1975: 5). امیر طاهری، سردبیر وقت روزنامه کیهان نیز در مقاله‌ای با عنوان «سیاست ایران در خلیج فارس» در تبیین اهمیت ژئواکونومیکی تنگه هرمز یادآور شد: «ایران نزدیک به شش میلیون بشکه نفت در روز به ارزش حدود 20 میلیارد دلار تنها در سال 1974 صادر کرده است که از مجموع درآمدهای 65 ساله گذشته کشور بیشتر بوده است؛ بنابراین، خلیج فارس برای رشد و بقای آینده ایران اهمیت حیاتی دارد» (Taheri, 1975: 425). ازسوی دیگر، ایران

نگران تغییر موازنه و نظم امنیتی منطقه خلیج فارس بود و تلاش شورشیان چپ‌گرای ظفار برای تشکیل دولت جدید در عمان را در این راستا ارزیابی می‌کرد (Pahlavi, 2000: 273). این برداشت تهدید از آن‌رو در ذهن تصمیم‌گیرندگان ایرانی شکل گرفته بود که شورشیان عمانی در اعلامیه‌ای آزادی ظفار را نخستین گام برای آزادی خلیج فارس دانسته و تداوم مبارزه‌های خود علیه امپریالیسم، استثمار سرمایه‌داری و مبارزه با حکمرانان منطقه‌ای را در کل خلیج فارس یگانه هدف خود اعلام می‌کردند. ایران مطابق نظریه «دومینو» اعتقاد داشت سقوط دولت عمان به منزله نقطه آغاز فروپاشی سایر کشورهای کوچک عرب منطقه است که این مسئله سبب ساز بحران جدی برای خلیج فارس خواهد شد. امیرعباس هویدا نخست‌وزیر وقت ایران پس از سرکوب این شورش گفته بود: «اگر یایگان ظفار موفق می‌شدند می‌توانستند تا کویت پیشروی کنند» (Chamankar, 2012: 39).

منطق و راهبرد دفاعی ایران در عمان: ناتوانی ارتش عمان در کنترل شورش ظفار سبب شد سلطان قابوس از کشورهای منطقه برای مقابله با اقدامات شورشیان درخواست کمک کند؛ با این حال، فقدان منابع مالی—نظامی جهان عرب، نوپا بودن چهار کشور حاشیه خلیج فارس (کویت، قطر، امارات متحده و بحرین) و رویکرد محافظه‌کارانه سیاست خارجی عربستان سعودی از جمله دلایل ورود نکردن پادشاهی‌های عربی به بحران ظفار بود (Goode, 2014: 458). در چنین شرایطی، پادشاه عمان برای مقابله با اقدامات جدایی‌طلبانه در مناطق جنوبی خود، به صورت رسمی از ایران درخواست کمک کرد (Ettelaat Newspaper, 1974: 4).

از نظر ایران حضور برون‌مرزی در عمان بر اساس منطق دفاع آفندی رو به جلو و گامی در راستای بقای سیاسی موجودیت کشور و حراست از منافع ملی و امنیت منطقه‌ای به شمار می‌رفت و منافع ملی ایجاب می‌کرد ارتش حتی در خارج از مرزها قربانی دهد (Ettelaat Newspaper, 1975: 3)؛ از این‌رو شاه پس از مشورت با سفیر ایالات متحده در تهران، یک نیروی ویژه 1500 نفری را در بهار 1973 برای کمک به نیروهای عمانی به مسقط اعزام کرد (Helms, 1986).

راهبرد دفاعی ایران در جبهه نبرد ظفار، سدکردن روند پیش‌روی معارضان با هدف کاهش پیوسته قلمرو از طریق ایجاد «خط دفاعی هورنبیم»¹ به طول تقریبی 70 کیلومتر بود. این خط دفاعی که تا

1. Hornbeam Defense Line

اوت 1974 تکمیل شد، شامل میدان‌های مین، سیم خاردار، و بناهای کوچک مستحکمی بود که از داخل به ساحل امتداد داشت و از گشت‌زنی و پیشروی آسان شورشیان از یک بخش به بخش‌های دیگر استان ظفار جلوگیری می‌کرد. در دسامبر 1974، پس از ایجاد خط دفاعی هورنیم یک گروه 1200 نفره برگزیده از سربازان ایرانی وارد خاک عمان شد و «عملیات تیمبل¹» را آغاز کردند. هدف اصلی این عملیات، گرفتن جاده میدوی² به صلاله³ مشهور به جاده سرخ به‌عنوان مسیر اصلی ارتباطی و تدارکاتی میان مسقط و ظفار بود. حملات مداوم شورشیان به این محور به شدت از اقتدار دولت مرکزی در استان ظفار کاسته بود. ایران نیروهای خود را در استان ثمریت⁴ متمرکز و پایگاه هوایی محلی را به مرکز نظامی مهمی تبدیل کرد. پشتیبانی توپخانه سنگین، بالگردها و هواپیماهای جنگی به نیروهای ایرانی کمک کرد تا بتوانند کنترل جاده میدوی را در دست بگیرند که این امر به منزله در انزوا قرار دادن شورشیان و قطع خطوط مواصلاتی و راه‌های کمک‌رسانی به آن‌ها بود (Farrokh, 2018: 547-548).

افزون‌براین، نیروهای ارتش ایران در تداوم روند پاک‌سازی راه‌ها، تسلط بر خطوط مواصلاتی و محدود کردن امکان دسترسی شورشیان به مهمات و تدارکات لجستیکی واردشده از مرز یمن جنوبی، خط دفاعی دماوند⁵ را ایجاد کردند تا مانع اعزام شورشیان تازه‌نفس و کمک‌های لجستیکی از این مرز شوند. مهم‌ترین ابزار نیروهای نظامی ایران دسترسی به بلندی‌ها و تقویت مواضع خودی و واردکردن ضربات سنگین به شورشیان با بهره‌گیری گسترده از واحدهای هوانیروز بود (Chamankar, 2014: 19).

در گام بعدی نیروهای ایرانی 3000-4000 هزار سرباز خود را در امتداد محور شمال به جنوب شهر بندری رخیوط در 40 کیلومتری مرز یمن جنوبی متمرکز کردند تا بتوانند آن را باز پس گیرند. از آنجاکه شهر ثمریت مرکز شورشیان بود و بر سر راه تصرف «رخیوط» قرار داشت، نیروهای ایرانی باید این شهر را نیز کنترل می‌کردند. سرانجام در ژانویه 1975 شهر رخیوط توسط نیروهای

1. Operation Thimble
2. Midway Road
3. Salalah
4. Thumrait
5. Damavand Defense Line

ایرانی تسخیر شد. در نهایت، با پیاده شدن یگان کماندوهای ایرانی در مرز عمان-یمن جنوبی و نابود کردن دو پایگاه اصلی شورشیان، عقبه مقاومت شورشیان شکسته شد و با فرار چریک‌ها به آن سوی مرز، نبرد ظفار رسماً در دسامبر 1975 پایان یافت (ward, 2009: 204). بنا بر گزارش کارشناسان نظامی انگلیسی، هزینه حضور ایران در عمان حدود یک میلیارد دلار برآورد شد (Chamankar, 2014: 17-25). این رقم معادل 3 درصد مجموع بودجه دفاعی ایران در سال‌های 1973-1978 بوده است.

جدول 1. بودجه دفاعی ایران در سال‌های 1973-1978 (میلیارد دلار)

سال	بودجه دفاعی
1973	3/1
1974	4/4
1975	6/2
1976	7/6
1977	8/2
1978	8/6

Source: Shakoori&Vazirian, 2019: 67.

در مورد تلفات انسانی ایران طی این جنگ آمار دقیقی وجود ندارد؛ با این حال، برخی منابع مجموع تلفات نیروهای ایرانی در جنگ ظفار را 714 کشته و 1414 مجروح اعلام کرده‌اند (Allen & Rigsbee, 2002: 64). سلطان قابوس در پایان این جنگ، ضمن قدردانی از تلاش‌ها و کمک‌های ایران به کشور عمان از قصد خود مبنی بر انجام اصلاحات اقتصادی برای خشکاندن ریشه‌های بی‌ثباتی و شکل‌گیری گروه‌های شورشی خبر داد (Peterson, 2004: 267-268). به این ترتیب مهم‌ترین دستاورد دفاع برون مرزی ایران جلوگیری از به خطر افتادن امنیت انرژی در خلیج فارس، جلوگیری از سرایت کمونیسم و توافق تهران-مسقط در زمینه تعیین حدود آب‌های ساحلی و کنترل مشترک دو کشور بر تنگه هرمز بود.

2-3. دفاع آفندی جمهوری اسلامی ایران در سوریه

برداشت تهدید از بحران سوریه: بحران سوریه از منظر رهبران ایران بخشی از برنامه خارجی برای سرنگونی متحد اصلی و در خط مقدم محور مقاومت و در نتیجه تغییر موازنه قدرت به ضرر ایران بود (Khamenei, 2018). مخالفت دو کشور با نفوذ غرب در منطقه، اتخاذ رویکرد ضد صهیونیستی و حمایت از گروه‌های مقاومت در لبنان و فلسطین مهم‌ترین مؤلفه‌های مشترک سیاست منطقه‌ای دو کشور به شمار می‌آید که موجب اتحاد استراتژیک تهران-دمشق شده بود (Goodarzi, 2013: 11-17). افزون‌براین، جایگاه ژئواستراتژیک سوریه در پیوند سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا، وجود تنگه جبل الطارق و کانال سوئز و نقش آن در ترابری و کشتی‌رانی، همسایگی با لبنان، ترکیه، عراق، و اسرائیل به‌عنوان اجزای مهم ژئوپلیتیک منطقه و کریدور ارتباطی ایران با حزب‌الله لبنان، از مزیت‌های سوریه برای جمهوری اسلامی محسوب می‌شود (Simber & Ghasemian, 2014: 143-178).

اعلام آشکار اوپاما مبنی بر اینکه زمان کناره‌گیری اسد از قدرت فرار سیده است، نقطه تحولی در ادراک تهدید ایران نسبت به بحران سوریه بود (Phillips, 2011). ایران این اظهارات را مرحله تازه‌ای از بحران سوریه قلمداد کرد که در آن آمریکا و متحدانش در حال آغاز سیاست مداخله‌جویانه‌ای در دمشق هستند که هدف اصلی آن سرنگونی اسد و تضعیف موقعیت منطقه‌ای ایران و محور مقاومت است. با توجه به اینکه بیشتر کشورهای عربی رویکردی ارتجاعی و مخالف به بهار عربی به‌ویژه اعتراض‌های بحرین و یمن داشتند، حمایت آن‌ها از معترضان سوری حرکتی ژئوپلیتیکی قلمداد شد. بعدها از پادشاه عربستان سعودی نیز نقل شد که هیچ اقدامی به‌اندازه ازدست دادن سوریه نمی‌تواند به ایران ضربه بزند (Hannah, 2011). افزون‌بر عربستان، عبدالله گل رئیس‌جمهور ترکیه نیز اعلام کرد اعتماد خود را نسبت به رژیم سوریه از دست داده است (Barnard, 2011). مخالفان اسد نیز با نگاهی ضد ایرانی و سردادن شعارهایی با مضمون «نه حزب‌الله نه ایران» رویکرد خود را در قبال آینده روابط با ایران نشان دادند. از جمله برهان غلیون رئیس شورای ملی سوریه اعلام کرد روابط فعلی ایران و سوریه غیرعادی است و پس از رفتن اسد، رویکرد سوریه نسبت به ایران و متحدانش همچون حزب‌الله تغییر خواهد یافت (Wall Street Journal, 2011).

مجموع این نشانه‌ها ایران را به این نتیجه رساند که بحران سوریه تلاشی برای جبران کسری موازنه و منافی است که ایران به‌ویژه پس از جنگ 2003 عراق، جنگ 2006 حزب‌الله-اسرائیل

(جنگ 33 روزه) و سرنگونی دیکتاتورهای سکولار طرفدار آمریکا در مصر، تونس و یمن به دست آورده بود؛ بنابراین، در نظر آن‌ها گام بعدی پس از سقوط اسد، تهدید مستقیم ایران خواهد بود. مهدی طائب رئیس قرارگاه عمار، در این باره اظهار داشت، سوریه استان استراتژیک ما است و اگر سوریه را از دست بدهیم، تهران را نیز نمی‌توانیم حفظ کنیم (Taeab, 2012).

منطق و راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در سوریه: رویکرد کلی ایران در سال نخست بحران سوریه حمایت از ابتکارات داخلی سوریه برای تفاهم با معترضان و انجام اصلاحات در چارچوب قانون بود؛ با این حال، گسترش دامنه درگیری و ناتوانی نیروهای مسلح سوریه، حضور ایران را به منظور مدیریت منازعه پس از درخواست کمک اسد اجتناب‌ناپذیر کرده بود. ضعف نیروهای مسلح سوریه به‌ویژه در ژوئیه 2012 آشکار شد که جمعی از مقامات ارشد امنیتی سوریه که به منظور تدوین یک راهبرد جامع و هماهنگ برای مقابله با بحران گرد هم آمده بودند، مورد سوء قصد مخالفان قرار گرفتند. در این حادثه سپهبد داوود عبدالله راجحه وزیر دفاع، آصف شوکت رئیس سازمان اطلاعات و شوهر خواهر بشار اسد، حسن تورکمانی رئیس اتاق بحران و هشام الاختیار رئیس شورای امنیت ملی سوریه کشته شدند (MacFarquhar, 2012).

به موازات حضور ایران، حزب‌الله نیز به‌عنوان مهم‌ترین گروه متحد ایران در جبهه مقاومت، حضور خود را در سوریه تسریع بخشید و نقش فعالی را بر عهده گرفت. منطق حضور دفاعی ایران در بحران سوریه نیز بر مبنای دفاع آفندی بود. آیت‌الله خامنه‌ای با تشریح این منطق با اشاره به شهدای مدافع حرم اظهار داشت: «این‌ها رفتند با دشمنی مبارزه کردند که اگر این‌ها مبارزه نمی‌کردند، این دشمن می‌آمد داخل کشور. اگر جلوی‌شان گرفته نمی‌شد، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه استان‌ها با این‌ها می‌جنگیدیم و جلوی این‌ها را می‌گرفتیم» (Khamenei, 2016).

برداشت تهدید از بحران سوریه با ظهور گروه‌های تکفیری تثبیت شد و افسران نیروی قدس به‌منظور آموزش و فرماندهی نیروهای ارتش اسد به سوریه اعزام شدند. راهبرد دفاعی ایران در جبهه نبرد سوریه یک رویکرد سه‌لایه‌ای تکاملی را در بر گرفت که در سه فاز بسیج شبه‌نظامیان محلی، اعزام جنگجویان فراملی به سوریه و بهره‌گیری از روسیه به‌منظور موازنه‌سازی در برابر ایالات متحده، به اجرا درآمد (Ahmadian&Mohseni, 2019: 15).

در فاز نخست، محور ایران-حزب‌الله، به‌منظور شکست شورشیان، ساماندهی و هدایت گروه‌های

شبه‌نظامی محلی در قالب نیروی دفاع ملی¹ را در دستورکار خود قرار دادند. هدف ایران از این اقدام، ایجاد نیرویی همچون حزب‌الله بود که می‌توانست با تغییرات میدان نبرد و سیاست‌های منطقه‌ای سازگار شود. در مورد تعداد نفرات نیروی دفاع ملی، آمار واحدی وجود ندارد؛ با این حال، سرتیپ شهید حسین همدانی به‌عنوان فرمانده اصلی نیروهای ایرانی در سوریه، در مه 2014 تعداد آن‌ها را حدود 70/000 نفر برآورد کرده بود که در 128 یگان نیروی دفاع ملی ساماندهی شدند (Karami, 2014).

در میان این گروه‌های شبه‌نظامی، تیپ ابوالفضل العباس (ع) به رهبری یکی از اهالی شیعه سوری اهل نبل² مشهور به ابوعجیب جایگاه ویژه‌ای در راهبرد نظامی ایران داشت. این تیپ از ابتدا با حزب‌الله همکاری داشت و به‌عنوان شریک راهبردی نیروی قدس در محافظت از دمشق در برابر حملات شیعیان و بعداً در محاصره و بازپس‌گیری مناطق تحت کنترل شورشیان خدمت کرد. نیروهای این تیپ با هدایت حزب‌الله عمدتاً اطراف دمشق، جنوب سوریه و گاهی غرب و شمال سوریه را پوشش می‌دادند (Al-Tamimi, 2018). افزون‌براین، تیپ امام محمد باقر (ع) به رهبری خالد علی الحسن نیز به‌عنوان یک بازیگر نظامی جدی در شمال سوریه ظاهر شد (Stewart & Al-Khalidi, 2017).

مزیت بهره‌گیری از این راهبرد برای ایران، کاهش حضور مستقیم همه‌جانبه بود و ضمن جلوگیری از تکه‌تکه شدن سرزمین سوریه، طرحی اقتضایی و منطقی برای تأمین امنیت سوریه به شمار می‌رفت. این امر به ایران امکان تحمیل فشار به‌منظور شکل دادن به توزیع سرزمینی و مناطق نفوذ را حتی در صورت سقوط اسد می‌داد (Ahmadian & Mohseni, 2019: 16).

تشکیل نیروی دفاع ملی در شرایطی انجام شد که شکست‌های پی‌درپی نیروهای ارتش سوریه در اواخر 2012 و اوایل 2013 موجب از دست رفتن کنترل دولت مرکزی در مناطق حلب، حماه و رقه شده بود؛ از این رو به پیشنهاد سپهبد شهید قاسم سلیمانی و سرتیپ همدانی، راهبرد کنترل مناطق قابل دفاع سوریه به‌جای تمرکز بر به‌دست آوردن کل مناطق اشغال‌شده، سرلوحه کار قرار گرفت. این امر به معنای ایجاد یک خط دفاعی بود که از جنوب سوریه به دریای مدیترانه امتداد می‌یافت و محور شهرهای سویدا³ - دمشق - حمص - حماه - لاذقیه را در بر می‌گرفت (Phillips, 2016: 150-151).

1. National Defence Forces

2. Nobl

3. Suwayda

در مه 2013 که موقعیت اسد به شدت در خطر بود، نیروهای ایرانی—سوری عملیات بزرگی را به منظور تصرف شهر قصیر¹ در استان حمص در غرب سوریه انجام دادند. این شهر که از ابتدای نبرد در اختیار مخالفان قرار داشت، به دلیل قرار گرفتن در مسیر تأمین لجستیکی مخالفان در حمص و مجاورت آن با ورودی دره بقاع² (کانال حرکت نیرو و تسلیحات حزب‌الله لبنان) از اهمیت راهبردی برخوردار بود؛ از این رو، حزب‌الله لبنان با مشارکت حدود 2000 رزمنده نقش مهمی در بازپس‌گیری شهر قصیر در ژوئن 2013 ایفا کرد (Uskowi, 2018: 82). در پایان سال 2013 نقش برجسته ایران در هدایت عملیات میدان‌های نبرد سوریه و جلوگیری از سقوط حتمی اسد به گونه‌ای گسترده، مورد تأیید همگان قرار گرفت؛ چنانکه ریاض حجاب نخست‌وزیر مستعفی سوریه ادعا کرد در واقع، این سپهد سلیمانی و نه بشار اسد است که در سوریه قدرت دارد (White, 2013).

اگرچه شبه‌نظامیان محلی در تأمین نیروی انسانی و ظرفیت سازمانی برای انجام عملیات نظامی نقش ویژه‌ای را به دولت اسد داد؛ با این حال، با توجه به گسترش نبرد این نیروها به تنهایی قادر به حفظ سوریه نبودند (Khaddour, 2016)؛ از این رو، ایران در فاز دوم راهبرد دفاع آفندی خود با رویکردی منطقه‌ای به سمت بهره‌گیری از گروه‌های مقاومت غرب آسیا گام برداشت و گروه‌های عراقی، افغانی و پاکستانی نیز به جبهه نبرد سوریه اعزام شدند. «عصائب اهل الحق»، «حرکات حزب‌الله نجبا» و «کتابت حزب‌الله» سه گروه عمده عراقی بودند که از اواخر سال 2012 به سوریه اعزام شدند. این گروه‌ها به ویژه در بوکمال، حلب، دیرالزور و جنوب سوریه حضور یافتند (Bakhtiari & Gholipour, 2015).

همچنین، ایران تعداد زیادی از رزمندگان شیعه افغانی-پاکستانی را در سال‌های 2013-2018 در دو تیپ جداگانه فاطمیون و زینبیون به سوریه اعزام کرد. فرمانده تیپ فاطمیون، علیرضا توسلی، مشهور به ابوحامد و فرمانده تیپ زینبیون، محمد جنتی، مشهور به حاج حیدر بود که هر دو در سوریه به شهادت رسیدند. در دو سال نخست جنگ سوریه، حضور این دو تیپ محسوس نبود، اما پس از حمله داعش، حضورشان در صحنه نبرد چشمگیر شد (Kamali dehghan, 2015)؛ با این حال، ناکامی نیروهای ارتش اسد در بازپس‌گیری شهر حلب به عنوان بزرگ‌ترین شهر سوریه، سقوط ادلب

1. Qusayr
2. Beqaa Valley

به‌دست مخالفان و تسلط داعش بر شهر پالمیرا نیروهای مقاومت به رهبری ایران را در موقعیت دشواری قرار داده بود؛ به‌گونه‌ای که در اوت 2015 نیروهای اسد کنترل کمتر از 20 درصد سوریه را در اختیار داشتند (Strack, 2015).

درک ایران از ضعف‌های میدانی نبرد سوریه یعنی عدم پشتیبانی هوایی رزمی، فقدان حمایت توپخانه پیشرفته و فقدان یارگیری از یک قدرت بین‌المللی متوازن‌کننده، ایران را به سمت فاز سوم دفاع آفندی خود کشاند. در فاز سوم، ایران به‌منظور اطمینان بیشتر از عدم سقوط اسد و برقراری موازنه بین‌المللی در برابر ایالات متحده، به سمت همکاری با روسیه گام برداشت. این امر از آن جهت مهم بود که با گسترش حضور داعش در موصل، رزمندگان عراقی ناچار به بازگشت به کشورشان شده بودند و از سوی دیگر ارتش سوریه از مارس تا ژوئن 2015 متحمل شکست‌های فراوانی شده بود. در نتیجه این تحولات، کل استان ادلب در شمال و بصرالشام در جنوب را به‌دست مخالفان و بخش‌هایی از استان حماه و حمص نیز به‌دست داعش افتاده بود (Ahmadian & Mohseni, 2019: 18).

از دست دادن ادلب، ایران را به همکاری راهبردی با روسیه به‌منظور افزایش توان دفاع آفندی سوق داد؛ در نتیجه، روسیه در سپتامبر 2015 پس از کسب مجوز حضور نظامی از پارلمان، حمله‌های هوایی متعددی را علیه مناطق اشغال‌شده انجام داد. در پرتو پشتیبانی هوایی روسیه رزمندگان محور مقاومت در نوامبر و دسامبر 2016 توانستند پس از چهار سال به اشغال حلب در شمال سوریه پایان دهند (Bucala, 2017: 5).

در نوامبر 2017 نیز با عملیات نیروهای سوری-ایرانی، بوکمال از حضور عناصر تکفیری پاک‌سازی شد. ایران پس از آن به تأسیس دو پایگاه نظامی برای استقرار نیروهای هم‌پیمان در شهر بوکمال و المیادین به علت اهمیت حراست از کریدور زمینی محور مقاومت مبادرت ورزید (Azizi, 2020: 1-3).

پس از این عملیات، سپهد سلیمانی در نامه‌ای به آیت‌الله خامنه‌ای از پیروزی نیروهای مقاومت در مقابل داعش در سوریه و عراق سخن گفت (Soleimani, 2017). در مورد تعداد نیروهای نظامی ایران در سوریه اطلاعات دقیقی در دست نیست؛ با این حال برخی منابع از حضور 2500 نفر از افسران ایرانی در سال 2015 یاد کرده‌اند که تعداد آن‌ها به تدریج کاسته شد و در بهار 2017 به

حدود 1000 نفر رسید (Kam, 2017: 12). همچنین، برخی منابع تلفات انسانی ایران در سوریه تا اواخر سال 2016 را بیش از 1000 نفر برشمرده‌اند (Reuters, 2016). در مورد هزینه‌های مالی حضور در سوریه نیز آمار مختلفی ارائه شده است که هیچ‌کدام تأیید نشده است؛ با این حال، حشمت‌الله فلاحت‌پیشه عضو پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس، این رقم را بین 20-30 میلیارد دلار ذکر کرده است (Falahat Pisheh, 2020). در صورت صحت، این رقم معادل حدود 16-20 درصد از مجموع بودجه دفاعی ایران در سال‌های 2011-2019 بوده است.

جدول 2. بودجه دفاعی ایران در سال‌های 2011-2019 (میلیارد دلار)

سال	بودجه دفاعی
2011	13/4
2013	11/2
2015	11/7
2017	14/6
2019	12/6

Source: Stockholm International Peace Research Institute, 2020.

پس از پایان جنگ سوریه در اسفند 1397، بشار اسد به منظور تقدیر از ایران به تهران سفر کرد. در تداوم این روند در تیرماه 1399 سرلشکر باقری در سفری به دمشق با همتای سوری خود یک موافقت‌نامه راهبردی دفاعی امضا کرد که از مهم‌ترین مفاد آن ارائه سامانه‌های پدافند هوایی از سوی تهران به سوریه به منظور افزایش امنیت مرزهای هوایی این کشور در برابر هجوم رژیم صهیونیستی بود (Nadimi, 2020). در مجموع، مهم‌ترین دستاورد دفاع آفندی جمهوری اسلامی ایران در سوریه، حفظ متحد راهبردی در قدرت، جلوگیری از قطع زنجیره ارتباطی محور مقاومت و حفظ موازنه قدرت به نفع ایران بود. از مجموع آنچه گفته شد، جدول زیر ارزیابی مقایسه‌ای دفاع آفندی را در سیاست خارجی ایران طی نیم قرن اخیر نشان می‌دهد.

جدول 3. ارزیابی مقایسه‌ای دفاع آفندی در سیاست خارجی ایران طی پنجاه سال گذشته

رژیم سیاسی	پهلوی دوم	جمهوری اسلامی
بازه زمانی	1978-1972	2011-2020
جغرافیای بحران	جنوب عمان-استان ظفار	کل سوریه
گروه‌های معارض	جبهه مردمی آزادی ظفار (6/000 نفر)	ارتش آزاد سوریه، داعش، جبهه النصره، شورای ملی سوریه، نیروهای دموکراتیک سوریه (85/000 نفر)
شدت تهدید	زیاد	بسیار زیاد
حامیان بحران	یمن جنوبی، کوبا، شوروی، چین، عراق	ایالات متحده، اسرائیل، ترکیه، عربستان سعودی، قطر
راهبرد دفاعی ایران برای مقابله با بحران	حضور مستقیم ارتش به منظور سد کردن روند پیشروی معارضان، ایجاد خط دفاعی هورنیم-دماوند، استفاده محدود از پشتیبانی هوایی ناتو	حضور مستشاری نیروی قدس برای ایجاد خط دفاعی جنوب به سواحل مدیترانه، ساماندهی گروه‌های مقاومت سوریه، لبنانی، افغانی، پاکستانی و عراقی، جلب پشتیبانی هوایی روسیه
حامیان ایران	انگلستان، آمریکا	گروه‌های محور مقاومت، روسیه
هزینه‌های مالی	1 میلیارد دلار حدود 3 درصد بودجه دفاعی 1978-1972	20-30 میلیارد دلار حدود 16-20 درصد بودجه دفاعی 2011-2019
تلفات انسانی ایران	714 نفر	بیش از 1000 نفر
عملکرد ایران	پیروزی در حل بحران	پیروزی در حل بحران
نتایج عملکرد	جلوگیری از اختلال در امنیت انرژی، ممانعت از سرایت کمونیسم، توافق با عمان برای کنترل مشترک تنگه هرمز	حفظ یک متحد راهبردی، جلوگیری از قطع زنجیره ارتباطی محور مقاومت، حفظ موازنه قدرت به نفع ایران

نتیجه‌گیری

این مقاله نشان داد با وجود آنکه حضور برون مرزی ایران در عمان و سوریه از سوی برخی پژوهشگران، اقدامی تهاجمی قلمداد می‌شود، اما در واقع، با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی کشور تنها جنبه تدافعی دارد و در عین حال با درخواست، موافقت و همکاری کامل کشورهای میزبان و به منظور پاسداری از نظم منطقه‌ای صورت پذیرفته است. مقاله با نگاهی به حضور برون مرزی ایران از دریچه ملاحظه‌های ژئوپلیتیکی و امنیتی نشان داد آسیب‌پذیری جغرافیایی ایران و به‌ویژه فقدان مرزهای دفاع طبیعی تسخیرناپذیر و مجاورت جغرافیایی با کانون‌های تهدید در غرب آسیا، ایران را ناخواسته وادار به دفاع آفندی کرده است. مطابق این راهبرد، هرگونه تغییرات ژئوپلیتیکی در غرب و جنوب غربی آسیا در راستای افزایش فشار محاصره ژئوپلیتیکی ایران و تغییر موازنه قدرت و به ضرر امنیت کشور و حتی کل منطقه است. این راهبرد هرچند به‌گونه‌ای پیوسته و در همه‌جا کاربردی

نیست، اما در شرایطی که ایران بتواند به‌ویژه متحدانی در ورای مرزهای خود بیابد، یکی از کارآمدترین شیوه‌های کاهش هزینه‌های حفظ تمامیت ارضی و تضمین منافع ملی خواهد بود. سیاست خارجی منعطف ایران برای برقراری اتحادهای برون‌منطقه‌ای در برابر تهدیدهای منطقه‌ای نیز از ابعاد پراگماتیستی این شیوه تدافعی در دو دوره بوده است؛ ارتقای همکاری‌های تاکتیکی و توجیه دقیق قدرت‌های بزرگ برای مقابله با تهدیدهای مشترک و ویژگی منحصر به فرد سیاست خارجی ایران است که هم‌سایگان آن به هر علت تاکنون توجه کمتری به آن داشته‌اند. در سطح تاکتیکی و عملیاتی نیز کاربست این راهبرد واجد این معناست که با وجود اینکه راهبرد کلی ایران در طول تاریخ دفاعی و غیرتهاجمی بوده است، تجربه‌های مقابله با گروه‌های تجزیه طلب، تروریستی و تکفیری و حامیان آن‌ها نشان می‌دهد مبارزه با این گروه‌ها در خارج از مرزها به مراتب بیش از واپایش این گروه‌ها در مناطق مرزی، سودمند خواهد بود.

مروری بر راهبرد سیاست منطقه‌ای ایران تاکنون نشان می‌دهد، این راهبرد با حضور فعال در حلقه‌های امنیتی در جلوگیری از افزایش قدرت تروریسم در غرب آسیا نقشی حیاتی و اجتناب‌ناپذیر ایفا کرده است. ویژگی این دفاع آفندی به‌ویژه در دوره جمهوری اسلامی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی کشورها در تجهیز گروه‌های مقاومت مردمی ضد تروریسم همچون حشدالشعبی در عراق و نیروی دفاع ملی در سوریه بوده است. جمهوری اسلامی ایران بر این اساس تاکنون کوشیده است از طریق حمایت از جریان‌های مخالف وضع موجود و همچنین اجتماعات شیعه در منطقه مانند شیعیان حزب الله لبنان، شیعیان یمن، عراق، عربستان، سوریه و بحرین، نفوذ خود را در غرب آسیا افزایش دهد و در عین حال با افزایش دستاوردها و توانمندی‌های فنی، ایران را به‌عنوان کشوری مستقل و در عین حال توسعه‌یافته معرفی کند؛ از سوی دیگر ایجاد تشکیلاتی مانند سپاه قدس که همراه با سایر نیروهای شیعه و حتی برخی شبه‌نظامیان سنی مخالف هژمونی آمریکا و غرب در منطقه به عملیات مستشاری می‌پردازد، از دیگر مصادیق انضمامی و قابل مشاهده سیاست دفاعی ایران در منطقه به شمار می‌رود.

به نظر می‌رسد، جمهوری اسلامی برای تحقق بیشتر اهداف سیاست خارجی خود باید ضمن نگاه راهبردی و بر مبنای پیچیدگی‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی منطقه غرب آسیا و جهان، نسبت به بازتعریف عملیاتی اهداف دفاعی در سیاست خارجی اقدام کند، زیرا در مواردی بدون

تعریف منافع مشخص برای خود می‌کوشد اهدافی را که برای تأمین امنیت آن‌ها برنامه مشخصی تدوین نشده است، پیگیری کند. طبیعی است که لازمه انجام چنین کاری، وجود میزانی از انسجام درونی است. مقصود از انسجام درونی این است که میان تمامی نهادها، چه در حوزه میدان و چه در حوزه دیپلماسی، باید در جهت پیشبرد اهداف کلی سیاست خارجی کشور هماهنگی راهبردی وجود داشته باشد. به این ترتیب به نظر می‌رسد، در شرایط پس از جنگ سرد، منافع ملی و اهداف هژمونیک ایران در منطقه باید هرچه بیشتر به دور از هرگونه شعارزدگی، با توجه به نیازها، تهدیدها، جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین امکانات و محدودیت‌ها، جمعیت، وسعت سرزمینی و جغرافیای سیاسی و اقلیمی به صورتی جدید طراحی و اولویت‌بندی شود که با کمترین هزینه به اهداف دفاعی خود دست یابد و افزون بر حفظ بقا بتواند با پرداخت هزینه‌های اندک و با کنترل تهدیدها و مقابله با خطرهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به آرمان‌های خود دست یابد.



منابع

- Ahmadian, H., & Mohseni, P. (2019), Iran's Syria strategy: the evolution of deterrence, *International Affairs*, 95 (2), pp. 341-364.
- Allen, C., & Rigsbee, L. (2002), *Oman under qaboos: from coup to constitution, 1970-1996*, London: Routledge.
- Al-Tamimi, J. (2018), Liwa abu al-fadl al-abbas and the republican guard, aymenn Jawad Al-Tamimi's Blog [Internet], 29 March. Retrived from: <http://www.aymennjawAD.ORG/2018/03/LIWA-abu-al-fadl-al-abbas-and-the-republican-guard>
- Azizi, H. (2020), *Iran's multi-faceted strategy in Deir ez-Zor: from fighting terrorism to creating a zone of influence*, German Institute for International and Security Affairs [Internet], 3 March, Retrived from <https://www.swp-berlin.org>
- Bakhtiari, B., & Gholipour, B. (2015), "15 groups fighting on behalf of Iran in Syria", *Radio Farda*, 24 June [Internet], Retrived from: <https://www.radiofarda.com/a/f8-shia-militia-in-iraq-and-syria>
- Barnard, A. (2011), "Turkish leader says he has lost confidence in Assad", *New York Times* [Internet]. 28 Aug. Retrived from <https://www.nytimes.com/2011/08/29/world/middleeast/29syria.html>
- Barnett, M., & Levy, J. (1992), Alliance formation, domestic political economy and third world security, *The Jerusalem Journal of International Relations*, 14 (4).
- Barzegar, Keyhan (2009), "Iran's foreign policy from the perspective of defensive and offensive realism", *Foreign Relations Quarterly*, 1 (1).
- Brooks, L., & Kanter, A. (1994), Introduction. In: *U.S. intervention policy for the post-cold war world: new challenges and new responses*, eds. linton brooks and arnold kanter, New York: norton & company.
- Bucala, P. (2017), Iran's new way of war in Syria. institute for the study of War [Internet]. Feb 2017. Retrived from <https://www.criticalthreats.org/analysis/irans-new-way-of-war-in-syria>
- Chamankar, M. J. (2012), Fields of military intervention of the second pahlavi government in the Dhofar crisis, *Quarterly Journal of the History of Islam and Iran* (Al-Zahra University), 22 (13), [in Persian].
- Chamankar, M. J (2014), Untold Stories of the Dhofar War, Institute for the Study of Contemporary Iranian History, Novamber 10, 2014, Retrived from <http://www.iichs.ir/News-407> [in Persian].
- Chamankar, M. J. (2017), *The role of Iran in the Persian Gulf and Oman sea*, Tehran: Institute for Political and International Studies [in Persian].
- Cooper, T., & Bishop, F. (2002), *Iran-Iraq war in the air 1980-1988*, US: Schiffer Publisher.
- Davis, M. (2018), Forward defence in depth for Australia. Australian strategic policy institute [Internet], 22 Nov. Retrived from <https://www.aspistrategist.org.au/forward-defence-in-depth-for-australia>

- DeVore, M. (2012), A more complex and conventional victory: revisiting the Dhofar counter insurgency, 1963-1975, *Small Wars & Insurgencies Journal*. 23 (1), pp.144.173.
- Edwards, P. (2015), Two cheers for forward defence, Australian strategic policy institute [Internet]. 29 May [Internet]. Retrived from <https://www.aspirategist.org.au/two-cheers-for-forward-defence>.
- Eghtesad Online (2017), 12 presidential elections according to statistics, May 22 [Internet]. Retrived from: <https://www.eghtesadonline.com/%D8%A8%D8%AE%D8%> [in Persian].
- Ettelaat Newspaper (1974), Qaboos's support for Iranian aid, August 25, 1974, available: at: <https://mashruteh.org/wiki/index.php> [in Persian].
- Ettelaat Newspaper (1975), Negotiations between the leaders of Iran and Yemen began, August 28, 1975, Retrived from: <https://mashruteh.org/wiki/index.php> [in Persian].
- Falahat Pishch (2020), "We gave 20 to 30 billion dollars to Syria and we have to get this money back from Syria", *Asriran*, May 20, 2020. Retrived from <https://www.asriran.com/fa/news/729501> [in Persian].
- Farrokh, Kaveh (2018), *Iran at war: 1500-1988*, Translated by shahrbano saremi, Tehran: qoqnoos [in Persian].
- Gasiorowski, M. (2009), Legitimacy of the regime and national security: a case study: the pahlavi state, in Iran. In: Azar & Moon, *National Security in the Third World*, Translated by Research Institute of Strategic Studies, Tehran: Research Institute of Strategic Studies [in Persian].
- Goodarzi, J. (2013), Syria and Iran: Alliance Cooperation in a Changing Regional *Environment*, *Ortadoğu Etütleri*, 4 (2), pp. 31-54.
- Goode, J. (2014), "Assisting our brothers, defending ourselves: the Iranian intervention in Oman, 1972-75", *Journal Iranian Studies*, 47 (3), pp. 441-462.
- Hannah, J. (2011), Responding to Syria: the king's statement, the president's hesitation. *Foreign Policy*. 9 Aug. [Internet]. Retrived from <http://foreignpolicy.com/2011/08/09/responding-to-syria-the-kings-statement-the-presidents-hesitation>.
- Helms, R. (1986), "Interview with oral history Iran collection", foundation for Iranian studies [Internet]. Retrived from <https://fis-iran.org/fa/oralhistory/Helms-Richard>.
- Holliday, Fred (1979), *Iran: dictatorship and development*, translated by fazlollah nikaein, Tehran: amirkabir publisher [in Persian].
- Holsti, O. (1995), "Theories of international relations and foreign policy: realism and Its challengers", In: *controversies in international relations theory: realism and the neoliberal challenge*, edited by Charles Kegley, Wadsworth Group.
- Jamshidi, Mohammad Hossein & Seifi, Afsaneh (2017), "Study and explanation of Syrian crisis (2011-2016) Based on michael brechers research model", *Quarterly Journal of Political Studies of the Islamic World*, 6 (3), pp. 25-60, doi.10.30479/psiw.2017.1274 [in Persian].
- Jones, C. (2011), "Military intelligence, Tribes, and Britain's war in Dhofar 1970-1976", *Middle East*

- Journal*, 65 (4), pp. 628-644.
- Kam, E. (2017), Iranian military intervention in Syria: a new approach. strategic assessment, Retrived from <https://www.inss.org.il/publication/iranian-military-intervention-syria-new-approach>
- Kamali Dehghan, S. (2015), Top iranian general and six hezbollah fighters killed in Israeli attack in Syria. *Guardian* [Internet], 19 January. Retrived from www.theguardian.com/world/2015/jan/19/top
- Karami, A. (2014), Former RGC commander's comments on Syria censored. *Al-Monitor* [Internet]. 6 May. Retrived from <http://www.almonitor.com/pulse/originals/2014/05/former-irgc-commander-syria-comments-censored.html>
- Kazemian, M. (2016), Iran in Syria: new confessions, unanswered questions. *Radio farda* [Internet]. November 30. Retrived from: <https://www.radiofarda.com/a/f3-iran-in-syria-confessions-unanswered-questions/28148817.html> [in Persian].
- Khaddour, K. (2016), "Strength in weakness: the Syrian army's accidental resilience", *Carnegie Middle East Center* [Internet], March 14. Retrived from <https://carnegie-mec.org/2016/03/14/strength-in-weakness-syrian-army-s-accidental-resilience-pub-62968>
- Khamenei, Ali (2016), Statements in a group meeting with the families of the martyrs who defended the shrine, January 25, 2015, Retrived from: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=32186>
- Khamenei, Ali (2018), attack against Syria is a crime, Iranian students news agency (ISNA), 14 April 2018, <https://www.isna.ir/news/97012508419>
- Ladwig, W. (2008), Supporting allies in counterinsurgency: Britain and the Dhofar rebellion, *Small Wars & Insurgencies*, 19 (1), pp. 62-88.
- Lister, Charles (2016), "The Free Syrian Army: A decentralized insurgent brand", *brookings institution* [Internet]. November. Retrived from <https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2016/11>
- Luttwak, E. (1976), *The grand strategy of the Roman empire*, Baltimore and London: Johns Hopkins University Press.
- MacFarquhar, N. (2012), Syrian rebels land deadly blow to assad's inner circle. *New York Times*. 18 July [Internet]. Retrived from www.nytimes.com/2012/07/19/world/middleeast/suicide
- Nadimi, F. (2020), "Iran-Syria air defense pact could disrupt allied operations", *The Washington Institute for Near East Policy* [Internet], July 24.
- Nejat, Ali (2017), *The Syrian crisis and regional actors*, Tehran: Abrar contemporary publications [in Persian].
- Pahlavi, Mohammad Reza (1974), "No military presence in the Persian Gulf will be allowed", *Ettelaat Newspaper*, March 12, 1974. Retrived from: <https://mashruteh.org/wiki/index.php> [in Persian].
- Pahlavi, Mohammad Reza (1975), The Persian Gulf will be the center of conflict in the coming years (interview with nohamed hassanein heikal), *Ayandegan Newspaper*, September 15, 1975. Available: <https://www.melli.org> [in Persian].

- Pahlavi, Mohammad Reza (2000), *Answer to history*, translated by hossein abutorabian, Tehran: zaryab publisher [in Persian]
- Peterson, J. (2012), "The experience of british counterinsurgency campaigns and implications for Iraq", arabian peninsula background note [Internet], July 2009. Retrived from <https://www.semanticscholar.org/paper/The-Experience-of-British-Counter-Insurgency-and-Peterson>
- Phillips, M. (2011), "President obama: the future of Syria must be determined by its people, but President bashar al-assad is standing in their way", White House [Internet], 18 Aug. Retrived from <https://obamawhitehouse.archives.gov/blog/2011/08/18/president-obama-future-syria-must-be-determined-its-people-president-bashar-al-assad>
- Phillips, C. (2016), *The battle for Syria: international Rivalry in the New Middle East*. US: Yale university press.
- Reisinezhad, Arash (2020), "Iran's strategic loneliness", *Iranian Diplomacy*, July 22, 2020. Retrived from <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1993409>. [in Persian].
- Rabinovich, I. (2019), "How Iran's regional ambitions have developed since 1979", The brookings institution [Internet]. January 24. Retrived from: <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2019/01/24/how-irans-regional-ambitions-have-developed-since-1979/>
- Reuters (2016), Death toll among Iran's forces in Syrian war passes 1,000 [Internet]. November 22. Retrived from <https://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-syria-iran>
- Schmitt, E. (2016), Al Qaeda turns to Syria, with a plan to challenge ISIS. The New York times [Internet]. May 15, Retrived from <https://www.nytimes.com/2016/05/16/world/middleeast/al-qaeda-turns-to-syria-with-a-plan-to-challenge-isis.html>
- Shakoori, Abolfazl & Vazirian, Amir Hossein (2019), "Assessing regional power of contemporary iran: comparing pahlavi II and the Islamic Republic", *international Geopolitical of Quarterly*, 15 (3) [in Persian].
- Simber, Reza & Ruhollah Ghasemian (2014), "Basic Components of Iran-Syria environment", *Quarterly Journal of Strategic Policy Research*, 3 (9), [in Persian].
- Soleimani, Qassem (2017), General qassem soleimani's letter to the supreme leader of the revolution about the end of ISIS rule, November 21, 2017, Retrived from <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=38253>
- Stewart, P., & Al-Khalidi, S. (2017), U.S. strikes Syria militia threatening U.S. backed forces: officials. Reuters [Internet]. 18 May. Retrived from <https://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-syria-usa>
- Stockholm International Peace Research Institute (2020), Military expenditure database. Retrived from <https://www.sipri.org/sites/default/files/Data%20for%20all%20countries%20from%201988%E2%80%932019%20in%20local%20currency.pdf>
- Strack, C. (2015), Country risk: Syrian government no longer controls 83% of the country". Jane's 360 [Internet]. 24 August. Retrived from <https://www.janes.com/article/53771/syrian-government-no-longer-controls-83-of-the-country>

- Taheri, Amir (1975), "Iran policy in the Persian Gulf", in: abbas amiri (ed.), *Persian Gulf and Indian Ocean in International Politics*, Tehran: Institute for Political and Economic Research [in Persian]
- Taeab, Mehdi (2012), "If they want to take Syria or Khuzestan", the preservation of Syria is a priority, *Donya-e-Eqtasad* newspaper, 11/28/2012; Retrived from <https://donya-e-eqtasad.com> [in Persian]
- Tohidi, M. (2017), "What was the shah looking for in Oman?", *institute for Iranian contemporary historical studies*, June 7. Retrived from: <http://www.iichs.ir/News-4656> [in Persian].
- U.S. Department of Defense (2010), *Dictionary of military and associated terms*, US: Washington, D.C.
- Uskowi, N. (2018), *Temperature Rising: Iran's Revolutionary Guards and Wars in the Middle East*. Maryland: Rowman & Littlefield publishers.
- Wall Street Journal (2011), Syria opposition leader interview transcript. Wall Street Journal [Internet]. 2 Dec. Retrived from <https://www.wsj.com/articles/SB10001424052970203833104577071960384240668.75>
- Waltz, K. (2008), *Realism and international politics*, New York: Routledge.
- Waltz, K. (1979), *Theory of international politics*, long grove Ill.: Waveland.
- Ward, S. (2009), *Immortal: a military history of Iran and its armed forces*, Washington: Georgetown university press.
- White, J. (2013), The qusayr rules: the Syrian regime's changing way of war. Washington institute [Internet]. May 31. Retrived from <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/the-qusayr-rules-the-syrian-regimes-changing-way-of-war>
- Yossef, A. (2019), "Upgrading Iran's military doctrine: an offensive forward defense", *Middle East in state* [Internet]. December 10. Retrived from: <https://www.mei.edu/publications/upgrading-irans-military-doctrine-offensive-forward-defens>.